



به بهانه تولد سهراب سپهری:

نقاشی می‌کنم، شعر می‌خوانم و یکتایی را می‌بینم

سهراب سپهری، شاعر و نقاش متولد نیمه مهر ۱۳۰۷ بود. او پیش‌تر به عنوان شاعر شناخته می‌شد، اما سال‌هاست که از او به عنوان یک هنرمند نقاش نیز تمجید می‌شود. اینستا می‌نویسد: او در یکی از نوشته‌هایش در قیاس نقاشی با شعر چنین می‌نویسد «نقاشی از آن کارهاست. پوست آدم را می‌کند. تازه طلبکار است. ولی نباید به نقاشی رو داد. چون سوار آدم می‌شود. من خیلی‌ها را دیده‌ام که به نقاشی سواری می‌دهند. باید کمی مسلح بود، و بعد رفت دنبال نقاشی. گاه فکر می‌کنم شعر مهربان‌تر است. ولی نباید زیاد خوش‌خیال بود. من خیلی‌ها را شناختم که از دست شعر به پلیس شکایت کرده‌اند. باید مواظب بود. من شب‌ها شعر می‌خوانم و هنوز ننوشت‌ام. خواهم نوشت. من نقاشی می‌کنم. شعر می‌خوانم و یکتایی را می‌بینم...»

سهراب گفته است که پدرش در شروع و ادامه نقاشی کردنش خودش را ندیده بود. مشفق دست مرا گرفت و به راه نوشتن کشید. الفبای شاعری را او به من آموخت. غزل می‌ساختم، و او سستی و لغزش کار را بازمی‌گفت. خطای وزن را نشان می‌داد. اشارات او هوای مرا داشت. هر شب می‌نوشتم. انجمن ادبی درست کردیم. و شاعران شهر را گرد آوردیم. غزل بود که می‌ساختیم. اما آنچه می‌گفتم شعر نبود. دو دفتر از این گفته‌ها را سوزاندم. من فن شاعری می‌آموختم. اما هوای شاعرانه‌ای که به من می‌خورده نشه‌ای غریب داشت. مرا به حضور تجربه‌های گمشده می‌برد...»

برخی او را نقاش، برخی دیگر شاعر و عده زیادی سهراب را نقاش شاعر می‌دانند. سهراب در پاسخ به این سؤال که خودش را بیشتر شاعر می‌دانست یا نقاش و اصلاً کدام را بیشتر دوست می‌داشت به خواهرش پروانه گفته است «هر دو برای من یکسان است». می‌توان گفت که سهراب پیش از آن که شاعر باشد،



نقاش بود و پیش از آن که نقاش باشد، شاعر بود. در این خصوص او در نامه‌ای که به احمد رضا احمدی نوشته بود آورده است که «من خیلی‌ها را دیده‌ام که به نقاشی سواری می‌دهند. باید کمی مسلح بود، و بعد رفت دنبال نقاشی. گاه فکر می‌کنم شعر مهربان‌تر است. ولی نباید زیاد خوش‌خیال بود. من خیلی‌ها را شناختم که از دست شعر به پلیس شکایت کرده‌اند. باید مواظب بود. من شب‌ها شعر می‌خوانم. هنوز ننوشت‌ام. خواهم نوشت. من نقاشی می‌کنم. شعر می‌خوانم. و یکتایی را می‌بینم. و گاه در خانه غذا می‌پزم و ظرف می‌شویم. و انگشت خودم را می‌برم. و چند روز از نقاشی باز می‌مانم. مشفق کاشانی معلم شعرش و به عبارتی کشف‌کننده او بوده است. او در مورد آشنایی‌اش با مشفق نوشت: «۱۰ ساله بودم که اولین شعرم را نوشتم. هنوز یک بیت آن را به یاد دارم ز جمعه تا سه‌شنبه خفته نالان/ نکردهم هیچ یادی از دبستان/ ز درد دل شب اما تا ۱۸ سالگی شعری ننوشتم. این را بگویم که من تا ۱۸ سالگی کودک بودم. من دیر بزرگ شدم. دبستان را که تمام کردم، تابستان را در کارخانه ریسندگی کاشان کار گرفتم. و اواخر دسامبر ۱۹۴۶ بود و من در اداره فرهنگ کار کردم. من در آنجا شاعری که در آن اداره کار می‌کرد، رنگ تازه‌ای به زندگی‌ام زد. شعرهای مشفق کاشانی را خوانده بودم و همیشه تازه و بکر است.

هیچ محدودیتی برای بازگشت ایرانیان خارج از کشور نداریم

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی تاکید کرد که «هیچ محدودیتی برای بازگشت ایرانیان خارج از کشور وجود ندارد». به گزارش ایلنا، محمد مهدی اسماعیلی با اشاره به سیاست‌های دولت درباره ایرانیان خارج از کشور، تاکید کرد: آقای رئیس‌جمهور در برنامه‌های آغاز دولت و در نیویورک، تاکید کرده بودند که هیچ محدودیتی برای بازگشت ایرانیان خارج از کشور نداریم. شما این را سیاست قطعی دولت بدانید.

وی که در جمع رایزنان سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی سخن می‌گفت، با اشاره به اهمیت موضوع گفت‌وگوی بین ادیان برای دولت گفت: بحث گفت‌وگوی ادیان سال‌هاست پیگیری می‌شود اما با توجه به عنایت جدید رئیس‌جمهور، این موضوع را محکم دنبال می‌کنیم.

مدیرکل میراث فرهنگی قم:

۳۰ میلیارد ریال برای ایجاد دبیرخانه شهر ملی انگشتر در قم هزینه شد

مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان قم گفت: برای ایجاد دبیرخانه شهر ملی انگشتر در قم ۳۰ میلیارد ریال هزینه شده است و این دبیرخانه بزودی افتتاح خواهد شد. علیرضا ارجمندی در گفت و گو با خبرنگار ایرنا اظهار داشت: این دبیرخانه در خیابان معلم قم و در جوار بیت تاریخی امام خمینی (ره) افتتاح می‌شود و برای راه‌اندازی آن یک خانه تاریخی را مرمت کرده‌ام.

وی بیان کرد: این دبیرخانه اکنون مرحله تجهیز خود را می‌گذراند و مکانی برای فروش صنایع دستی و به خصوص انگشتر به نام «چهارسو هنر» خواهد بود.

وی تاکید کرد: قم در حوزه سوغات و متبرکات ظرفیت خوبی دارد و این ظرفیت نیازمند وجود یک بازارچه دائمی صنایع دستی است و سوغات قم می‌تواند صنایع دستی از جمله فرش قم را شامل شود. ارجمندی از جانمایی ۲۰ هکتار زمین برای احداث شهر عقیق در قم خبر داد و افزود: چند مکان برای احداث این شهر پیشنهاد شد که اداره کل میراث فرهنگی آن‌ها را قبول نکرد و اکنون میراث فرهنگی مکانی را جنب عوارضی آزادراه قم - تهران پیشنهاد کرده است.

وی بیان کرد: شهر عقیق شهری خواهد بود که در آن آموزش و پژوهش، دانشگاه‌های علمی کاربردی و موزه ایجاد خواهد شد و این شهر مصوبه شورای برنامه ریزی استان قم را نیز دارد.

وی با اشاره به این که سال گذشته ۹ نشان ملی مرغوبیت کالا

مرگ «آتیلا» را به چه کسی تسلیت بگوییم؟

سرانجام قهوه قجری را نوشید؛ قهوه‌ای که با زهر مرگ آمیخته بود. عاشق بازی بود آتیلا پسیانی، عاشق کشف و مکاشفه، عاشق مزه‌های تازه، عاشق راه‌های نرفته و حالا در کار تجربه‌های دیگر است؛ تجربه‌ای از جنس نیستی، هرچند که برای او سخت غریب می‌نماید. به گزارش ایسنا، کودکی بود که به واسطه شغل مادرش که بازیگر نامی تئاتر آن زمان بود، پشت صحنه تئاتر قد کشید. خودش هم نفهمید چگونه سر از صحنه و پشت صحنه درآورد. در جوانی به عضویت کارگاه نمایش درآمد تا در جوانی و میانسال‌ها بشود سرمدمدار تئاتر تجربی ایران. در زمانه‌ای که تئاتر کشور پذیرای این سبک نبود، او مؤمنانه ایستاد، چه بسیار ناسازها که نشنید اما از پای ننشست. محکم بود و با اراده و مؤمن به راهی که انتخاب کرده بود. کار به حرف دیگران نداشت، ایمان داشت به راهی که انتخاب کرده بود.

او عاشق بازی بود و با همین عشق نام گروهش را هم گذاشت گروه تئاتر بازی که حالا یکی از معدود گروه‌هایی است که باقی مانده و چند سال پیش سرپرستی آن را به دخترش ستاره سپرد.

آتیلا پسیانی فقط یک هنرمند تاثیرگذار نبود، فقط یک بازیگر درخشان نبود. او پدری بود که فرزندان خود را همواره زیر پر و بال خود می‌گرفت. گفتیم فرزندان، فرزندان او فقط ستاره و خسرو نبودند، او بسیاری فرزندان دیگر داشت؛ فرزندان که پدر معنوی آنان بود، از علی اصغر دشتی، رضا گوران، همایون غنی‌زاده، امیررضا کوهستانی، جابر رضائی و ... جوانانی که پشت‌شان به او محکم بود و دل‌شان به او گرم. نه به خاطر اینکه گاهی در نمایش‌هایشان بازی می‌کرد یا برخی اوقات برایشان طراحی نور می‌کرد و یا همیشه به عنوان مشاور، بی‌دریغ در کنارشان بود. نه! همه اینها بود ولی اینها همه حمایت آتیلا نبود، او به آنان اعتماد به نفس می‌داد و امید. او آنان را باور داشت!



عکس روز: عروسی در میان ترکمن‌ها

امروز شما



- مهر**: بیش از حد تحت تأثیر حرفه‌های این و آن قرار می‌گیری. باید به جای احساسات، عقل و منطق خود را ملاک قرار دهی و با خردمندی تصمیم بگیری به نحوی که اساسی و جدی باشی.
- آبان**: پیش از شنیدن یا نشنیدن چه قضاوتی می‌توان داشت؟ باید ابتدا حرف‌های او را خوب و کامل بشنوی، بعد در مورد او و این موضوع قضاوت کنی.
- آذر**: پس از یک دوره قهر و جدال دوره‌ای می‌رسد که در آن عشق و آشتی حرف اول را می‌زند. زندگی نیز چون یکسال چند فصل دارد و بدون این فصلها دچار رکود خواهد شد.
- دی**: کدورت‌هایی در زندگی خصوصی‌ات وجود دارد که باید هرچه سریع‌تر آنها را رفع کنی. بی‌توجهی تو به برخی مسائل عاطفی دوست یا همسرت را می‌رنجاند. باید بیشتر مراقب رفتار ت باشی.
- بهمن**: رفته رفته این اختلاف حل خواهد شد. گذر زمان به هر دو طرف نشان خواهد داد که تندروی بیشتر به آنها آسیب می‌رساند. از این رو هر دو سرعقل آمده و با هم آشتی می‌کنند.
- اسفند**: اطرافیانت به تو سفارش می‌کنند که بهترین راه را انتخاب کنی اما تو همچنان لجباز و یک‌دنده‌ای! به چه قیمتی می‌خواهی حرفت به کرسی بنشیند!؟
- مرداد**: تو باید دوباره به سوی او بگردی. البته این یک پیشنهاد است و تصمیم نهایی با توست. به هر حال اگر احساس می‌کنی او همان کسی که تو همیشه آرزویش را می‌کردی، برای بازگشت هیچ بهانه‌ای نباید بیآوری.
- شهریور**: تا زمانی که احساسات را بیان نکنی، او نخواهد فهمید که در درون و قلب تو چه می‌گذرد.